

این سیاستورزی نیست

عباس عبدی

یکی از فعالان نواصولگرا در توییتی به یک رشته از تناقضات و به اصطلاح گیجی جناح متبوع خودشان اشاره کرده بود. اولین مورد افزایش قیمت خودرو و جلوگیری رییس‌جمهور از این افزایش بود که سوت و کف این جناح را همراه داشت، ولی چند هفته‌ای نگذشت که گران‌تر از پیش شد و صدای کسی هم درنیامد. سپس طرح واردات خودرو که با ممنوعیت واردات لوازم خانگی همراه می‌شود و سپس افزایش شدید قیمت این لوازم و حتی نوبتی شدن تحویل کالا به خریداران بود که مردم را عصبانی کرد و اینان نتوانستند موضع‌گیری‌های روشنی داشته باشند. مورد بعدی، شعار زدن برده‌هان کسی که بعد از ترور حاج قاسم بخواهد با امریکا مذاکره کند، بود. ولی در دولت جدید ماجرا عوض می‌شود. شخص دیگری هم به سیل واردات واکسن و بشارت دادن دولت جدید به پایان کرونا در دهه فجر اشاره می‌کند و اینکه پیک اصلی کرونا در این دهه رخ داد. اکنون باید نوار صوتی منتشره درباره هلدینگ یاس را هم به این مجموعه بیاناتها اضافه کرد که همه اینها موجب گیجی این گروه از فعالان رسانه‌ای و سیاسی شده است. واقعیت این است که این کاری که لشکر سایبری نواصولگرایان در تویتر می‌کنند، هرچه باشد سیاستورزی نیست؛ این یک فعالیت اقتصادی زشت است. سیاستورزی اصول و قواعد خود را دارد. مهم‌ترین آنها داشتن ثبات شخصیتی است. این ثبات شخصیتی از ثبات فکری می‌آید. بدون داشتن یک اندیشه راهنما و تا حدی منسجم نمی‌توان سیاستورزی موثری کرد که بدون تناقض یا گیجی باشد. البته ثبات فکری به معنای عدم تغییر نیست. ولی تغییر فکری، هم باید شفاف و هم قابل توضیح باشد. همه این موارد متناقض جریان نواصولگرایی را می‌توان تحلیل کرد و نشان داد که مبتنی بر هیچ اندیشه منسجمی نبوده است.

دفاع از تثبیت قیمت خودرو فاقد چنین انسجامی است. چون اگر دولت نقدینگی را افزایش ندهد، هیچ کالایی از جمله خودرو گران نمی‌شود. به علاوه هنگامی که رفتید در دولت، متوجه می‌شوید که مدیران خودرویی را خودتان منصوب می‌کنید، آنان هم خواهان افزایش قیمت هستند، خب چاقو که دسته خود را نمی‌بُرد؟ قیمت لوازم خانگی چرا بالا رفت؟ مطمئن باشید که کیفیت آن‌هم مثل خودرو شده و پایین

می‌آید، چون رقابت با کالای خارجی ندارند، صادرات ندارند، زیرا هیچ‌کس در جهان حاضر به خرید آنها در مقایسه با کالای مشابه خارجی نیست. در داخل هم انحصاری عمل می‌کنند، لذا با هر کیفیتی و با هر قیمتی بفروشند، خریدار هست حتی در نوبت. خریدار نیز چاره‌ای ندارد. مذاکره با امریکا هم همین‌طور است، مگر می‌شود دنبال برجام بود و با آنها مذاکره نکرد؟ حالا چه مستقیم و چه غیرمستقیم. فقط غیرمستقیم هزینه‌هایش بیشتر است و امتیازات را به واسطه‌ها باید داد. مخالفت با برجام و آتش زدن آن نیز فقط یک نمایش برای بیرون راندن طرف مقابل بود. اگر سیاست فقط کسب قدرت به هر قیمت و بدون لحاظ کردن خیر عمومی است، پس آنان خدای سیاست‌ورزی هستند. تناقضات نمونه واکسن نیز روشن است. نواصولگرایانی که از ۲ سال پیش تاکنون انواع و اقسام مواضع متناقضی را درباره واکسن گرفته‌اند، به این راحتی نمی‌توانند از خوردن چوب این مواضع معاف شوند. کافی است به مواضع وزیر بهداشت دولت روحانی که مورد حمایت کامل اصولگرایان بود و نیز وزیر فعلی مراجعه کنند. انکار اولیه کرونا، کم‌اهمیت جلوه دادن آن، همدستی ضمنی با طرفداران طب اسلامی و نفی ضمنی طب علمی، مخالفت با واردات واکسن و تاکید بر تولید داخل و... همه اینها را بگذارید در کنار افتخار کردن به واردات واکسن و وعده پایان کرونا در دهه فجر که البته این دهه همراه شده است با اوج‌گیری بی‌سابقه کرونا در کشور. مشکل این است که باید پرداخت پول برای توییت زدن را کنار بگذارند. این لشکرهای سایبری نه تنها اثر ماندگار مثبتی ندارند، بلکه آثار آنها برای فضای سیاسی منفی است. اینکه در زمان روحانی یک کالا قدری گران می‌شد، توییت باران می‌کردند و حالا چند برابر گران می‌شود سکوت و توجیه می‌کنند، به معنای سقوط اعتبار سیاسی است. در گام دوم باید در برابر پرت و پلاهای دوستان و مسوولان شناخته‌شده خود بایستند. مصلحت‌سنجی حدی دارد. اگر از آن حد بگذرد، بی‌اعتباری می‌آورد. این جناح هر ارزش و حقیقتی را بی‌اعتبار و شناور کرده‌اند، دیگر برای آنان جایی برای تکیه دادن و ایستادن باقی نمی‌ماند. اگر حقیقت و ارزش‌های بنیادین شناور و بی‌اعتبار شوند، آن‌هم در فاصله‌های زمانی کوتاه، هویت انسانی مخدوش و متزلزل می‌شود. این اتفاقی است که برای لشکر سایبری نواصولگرایان رخ داده و فاقد حداقل‌های سیاسی شده‌اند. این یادداشت فقط در پی نقد و تحلیل بود و تخریب و تخطئه هدف آن نیست، بد نیست به نکات آن توجه کنند. خود دانید.

منبع: روزنامه اعتماد 27 بهمن 1400 خورشیدی